



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

بزرگداشت حماسه حسینی در تهران؛ عصر ناصری

محمدحسین منظورالاجداد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بزرگداشت حماسه حسینی در تهران؛ عصر ناصری

نویسنده:

محمد حسین منظورالاجداد

ناشر چاپی:

تاریخ اسلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	بزرگداشت حماسه حسینی در تهران؛ عصر ناصری
۶	مشخصات کتاب
۶	بزرگداشت حماسه حسینی در تهران؛ عصر ناصری
۱۱	پاورقی
۱۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بزرگداشت حماسه حسینی در تهران؛ عصر ناصری

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۰-۱۲۴۳۲

سرشناسه: منظورالاجداد، محمدحسین

عنوان و نام پدیدآور: بزرگداشت حماسه حسینی در تهران عصر ناصری منظورالاجداد، محمدحسین
منشا مقاله: تاریخ اسلام ش ۵، (بهار ۱۳۸۰): ص ۱۶۷ - ۱۸۲.

توصیفگر: قاجاریه

توصیفگر: اعتمادالسلطنه محمدحسن بن علی

توصیفگر: ناصرالدین قاجار، شاه ایران

توصیفگر: کتاب المآثر والاثار

توصیفگر: مراسم مذهبی

توصیفگر: قیام عاشورا

بزرگداشت حماسه حسینی در تهران؛ عصر ناصری

در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، مراسم سوگواری سرور شهیدان به گستردگی در تهران برگزار می‌شد. با توجه به بی سوادی عمومی و کاستی‌های نظام آموزش مکتب‌خانه‌ای، برگزاری این مراسم، فرصت مغتنمی در اختیار دانشوران دینی قرار می‌داد تا به آموزش عمومی معارف دینی اقدام نمایند. در این مقاله، تعداد، نحوه برگزاری و میزان استقبال مردم از آن مجالس مورد بررسی قرار گرفته و ضمن معرفی برخی از وعظ مشهور، به نقش ملا آقا دربندی در تشکیل آن مجالس، و ملا اسماعیل واعظ در تامین منابع مورد نیاز سخنوران آنها، اشاره شده است. واژه‌های کلیدی: امام حسین (ع)، عزاداری، تعزیه، ناصرالدین شاه. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، باب هشتم کتاب «المآثر و الآثار» خود را به بیان «برخی آثار روحانیه و مآثر معنویه و حقایق تمدنی‌ای اختصاص داده که در مدت چهل سال - تا زمان نگارش کتاب - پادشاهی ناصرالدین شاه، با ترویج دولت، در ایران پدیدار گشته است و در بخشی از این باب، «رواج کلی و شیاع کامل امر تعزیه داری و سوگواری حضرت امام ابو عبدالله سیدالشهدا» را به حق، از جمله مآثر معنوی دوران ناصری به شمار آورده است. او ضمن بیان تاریخچه‌ای از برگزاری این «سنت موکده که تالی فرایض مشدده است از دوران آل بویه تا صفویان، یادآور می‌شود که در زمان‌های گذشته، برگزاری مراسم عزاداری امام حسین علیه‌السلام به «روز عاشورا غالباً، و به عشر اول محرم احیاناً، منحصر بوده است و در غیر این میقات مخصوص، احدی بر این تکلیف منصوص، رسم اقدام نداشته، اما در زمان او «چندان این سنت سنیه رواج گرفته که در تمام ایام، جمیع اسابیع، هر شهر از شهر، در هر شهر و قصبه مشهور از ممالک شیعیه، چندین مجلس حافل به ذکر این مصاب هایل، منعقد می‌گردد» و می‌افزاید که «از غره محرم تا سلخ صفر بخصوص، به مثابه عاشورای عهد سایر سلاطین شیعیه می‌باشد.» افزون بر این، وی از تعطیلی عمومی دهه اول محرم و شرکت شاه در مراسم تعزیه در تکیه دولت سخن گفته و می‌افزاید که سالانه از سوی دولت زیاده‌تر از پنجاه هزار تومان برای برگزاری مراسم سوگواری امام حسین علیه‌السلام خرج می‌شد و «البته در تمام اقطار ایران در این دو ماه، دو کرور تومان بل متجاوز، مردم در کار خیر مصروف می‌دارند و بعضی حساب کرده و گفته‌اند که در طهران، فقط در این دو ماه، تقریباً یک کرور تومان قند و چای به مصارف روضه سیدالشهدا خوانی می‌رسد.» [۱]. گزارش‌های نظمی از وقایع مختلف محلات تهران در سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۵ بر

درستی سخن اعتمادالسلطنه و اهتمام مردم به برپایی مراسم عزاداری سرور شهیدان گواهی می‌دهد. برای نمونه، نظمی در ضمن گزارش وقایع روز «دوشنبه غره شهر ذیقعه الحرام ۱۳۰۳» در محله عودلاجان می‌نویسد: «دیروز در خانه حاجی اسدالله بزاز مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از تجار و غیره در آنجا مستمع بودند.» «دیروز عصر در خانه حاجی میرزا حسین تاجر مجلس روضه خوانی بوده است. جمعی از تجار و غیره در آنجا حضور داشتند، غروب متفرق گردیدند.» [۲] در گزارش همان روز، به برقراری مجالس روضه در خانه تنی چند از ساکنان محله چالمیدان و محله بازار نیز تصریح شده است و گزارش‌های نظمی در روزهای بعد نیز همین گونه بوده و کمتر روزی است که خبر از برگزاری مراسم عزاداری داده نشده باشد. اهتمام مردم به این امر به حدی بوده که حتی در شب روزی چون یازدهم ذیقعه (سالروز تولد حضرت امام رضا علیه السلام) مجالس عزاداری برپا شده است و گزارش داده‌اند که در این شب در محله دولت، در خانه «حاجی حسین نام بزاز»، [۳] در محله سنگلج، در خانه «شیخ رضا» و در محله عودلاجان در خانه «حاجی علی» [۴] مجلس روضه خوانی بوده است و شرکت کنندگان در آن مجالس پس از صرف شام متفرق شده‌اند. بر اساس همین گزارش‌ها، این آگاهی حاصل می‌شود که در شب دوازدهم ذیقعه سال ۱۳۰۳ در یازده خانه در محلات مختلف تهران مجالس عزاداری برپا بوده است [۵] و گاه این مراسم، برای بزرگداشت خاطره در گذشتگان صورت می‌گرفته است. ماموران نظمی از محله دولت خبر داده‌اند که شب یازدهم ذیقعه ۱۳۰۳ مصادف با «شب سال فوت همشیره استاد علی نام بوده، کسانش مجلس روضه خوانی ترتیب داده، جمعی از طلاب را دعوت کرده بودند. چهار ساعت از شب گذشته متفرق شدند.» [۶]. بدیهی است که در دو ماه محرم و صفر بر تعداد این مجالس افزوده می‌شده است. در دهه نخست محرم تعداد این مجالس به حدی بوده که گزارش‌های مستقلی در مورد آن‌ها به شاه ارائه شده است. این گزارش‌ها با عنوان «راپورت مجالس روضه خوانی و تکایا» مربوط به مراسم روز جمعه ۲ محرم ۱۳۰۴ تا «جمعه ۹ شهر محرم الحرام ۱۳۰۴» بوده و در آنها به تفصیل در مورد برگزار کنندگان مجالس عزا، نحوه برگزاری مراسم عزاداری و پذیرایی از شرکت کنندگان سخن گفته شده است. [۷] نقل برخی از آن گزارش‌ها خالی از لطف نیست: «جمعه ۲ شهر محرم الحرام ۱۳۰۴. دیشب نواب ارفع و الاعزالدوله و امیرزاده پسرش و... با جمعی از اعیان و اشراف در مجلس روضه خوانی جناب امین السلطان حضور داشتند. جمعیت کثیری از دراویش و فقرا آمده، شام کاملی هم به مردم داده و هم مبلغی پول دادند.... امسال از سایر سال‌ها در این مجلس جمعیت زیادتر است.» [۸]. «دایی ابراهیم، ناظر درب حرمخانه مبارکه در خانه‌اش مجلس روضه دارد. یازده نفر از سادات روضه می‌خوانند.» [۹]. «از بعد از ظهر در خانه جناب عضدالملک مجلس روضه خوانی است. نه نفر از ذاکرین معروف روضه می‌خوانند جمعی کثیر در آنجا حضور داشتند.» [۱۰]. «ساری اصلاان اول آفتاب در خانه‌اش مجلس روضه دارد. جمعیت زیاد می‌شود. چند نفر از ذاکرین معروف روضه می‌خوانند. علی‌الرسم هر یک از اهل مجلس را دو دانه نان لواش و چای می‌دهند.» [۱۱]. در این گزارش‌ها، هم چنین از برقراری مجلس روضه خوانی زنانه در منزل حاجی میرزا شفیع لشکرنویس، [۱۲] پرداخت مخارج شام و غیره مجلس روضه خوانی منعقد شده در منزل سید ابوطالب صدرالذاکرین از سوی وزیر نظام، [۱۳] حضور جمعی کثیر از فقرا و اهل محله در مجلس روضه خوانی نواب امیر آخور، [۱۴] پرداخت پول به فقرا و مساکین شرکت کننده در مجلس روضه خانه ناظم خلوت، [۱۵] اقدام مستوفی الممالک به دعوت از چهل نفر طلبه برای شرکت در مجلس عزاداری و پرداخت یک هزار دینار وجه نقد به هر یک از آن‌ها [۱۶] و برگزاری مجلس عزاداری در منزل مرحوم حاجی سید صادق مجتهد سنگلجی با شرکت سید محمد طباطبایی خبر داده شده [۱۷] و درباره مجلس روضه خوانی تشکیل شده در خانه حاج ملاعلی کنی مجتهد برجسته آن روزگار چنین آمده است: «چهار ساعت به غروب مانده در خانه جناب حاجی ملاعلی مجلس روضه خوانی است. قریب بیست نفر از ذاکرین معروف و غیر معروف روضه می‌خوانند. جمعیت زیادی می‌شود. از هر طبقه مردم در آنجا حضور داشتند. چای و غلیان وافر به مردم می‌دهند.» [۱۸] گاهی در این مجالس اتفاقات پیش بینی نشده‌ای رخ می‌داد. ماموران نظمی برخی از آن اتفاقات را گزارش کرده‌اند، از جمله خبر داده‌اند که به سبب

مفقود شدن یک عدد سر قلیان در مجلس روضه منزل اقبال السلطنه «خدام مجلس، هر کسی را که از مجلس خارج می‌شد، می‌کاویدند و به مردم از این حرکت، خیلی بد گذشته بود.» [۱۹] هم چنین خبر داده‌اند که در مجلس روضه منزل «آقا شیخ جعفر پیشنماز... دو سه نفر به واسطه چای نزاعشان شده، می‌خواستند زد و خورد بکنند، خدام آن‌ها را ساکت کرده، از آنجا خارج می‌نمایند.» [۲۰] یا «دیروز جمعی از خوانین قاجار، طلاب و اهل محله در مجلس روضه خوانی جناب عضدالملک حضور داشتند. بعد از روضه به زن‌ها یکی پنج شاهی پول می‌دادند. زن‌ها به واسطه پول ازدحام کرده روی هم ریخته نزدیک بود بعضی صدمه بخورند. آنها را متفرق کردند.» [۲۱]. در همین گزارش‌ها از پرداخت پول به شرکت کنندگان در مجلس روضه بر گزار شده در خانه صنیع الدوله (محمد حسن خان اعتمادالسلطنه) خبر داده و گفته‌اند که در آن مجلس در روزهای نخستین ماه محرم «بعد از ختم روضه به زن‌ها، هر یک، یک دانه شاهی سفید می‌دادند» [۲۲] و در روز هشتم محرم «علی‌الرسم، به زن‌ها هر یک پنج شاهی داده‌اند.» [۲۳]. با توجه به محدوده شهر و محلات و تعداد جمعیت تهران در آن روزگار، می‌توان استنباط کرد که تعداد مجالس عزاداری منعقد شده زیاد و شرکت کنندگان در آنها بسیار بوده‌اند. از بررسی گزارش مربوط به روز هفتم محرم ۱۳۰۴ بر می‌آید که در آن روز ۴۸ مجلس روضه یا تعزیه خوانی برپا بوده است و تعداد این گونه مجالس در تاسوعای سال ۱۰۳۴ به ۵۳ مجلس رسیده است. مجالس روضه گاه مختلط بوده و گاه تنها به مردان یا زنان اختصاص داشته است. ماموران نظمی از شرکت «قریب سیصد نفر مرد و زن در مجلس روضه خوانی منزل صنیع الدوله خبر داده‌اند [۲۴] و از گزارش‌های آنان بر می‌آید که مجلس روضه حاج ملاعلی کنی از شلوغ‌ترین مجالس تهران بوده است. آنان در گزارش مربوط به روز یکشنبه ۴ محرم ۱۳۰۴ آورده‌اند: «دیروز در مجلس روضه خوانی جناب حاجی ملاعلی جمعیت زیاد از مرد و زن حضور داشتند.» [۲۵] و در گزارش مربوط فرادای همان روز آمده است: «دیروز در مجلس روضه خوانی جناب حاجی ملاعلی به حدی جمعیت شده بوده که درب خانه را بسته بودند.» [۲۶] در مورد مجلس روضه خوانی منزل سید محمد طباطبایی هم نوشته‌اند: «به حدی جمعیت شده بود که حیاط دیگر گنجایش نداشت.» [۲۷]. شور و هیجان و بروز احساسات مردم نیز در برخی گزارش‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در مورد مجلس منعقد در خانه «میرزا احمد پیشنماز» چنین گزارش شده که: «با این که روز اول بود، رقت زیادی برای مردم دست داده بود، به طوری که در موقع روضه حاجی میرزا لطف‌الله یک دو نفر زن غش کرده بودند؛» [۲۸] یا «در مجلس روضه خوانی جناب حاجی ملاعلی... شورش و رقت زیادی برای مردم پیدا شده بود، [۲۹] و یا در مجلس روضه خوانی در منزل مرحوم آقا سید صادق «مردم حالت حزن غریبی داشتند، به طوری که سه چهار نفر زن به حالت ضعف افتاده بودند.» [۳۰]. علاوه بر گزارش‌های نظمی، خاطرات قهرمان میرزا سالور که برادرزاده ناصرالدین شاه بود نیز موجود است. مجلس روضه پدر او - عزالدوله - در سال ۱۳۰۸ در تجریش برپا شده بود و وی از شرکت صد و هفتاد نفر زن و هشتاد نفر مرد در مجلس روز چهارشنبه نهم صفر و شرکت دویست نفر زن و جمعا دویست و پنجاه نفر زن و بچه در مجلس روز یازدهم صفر خبر می‌دهد. [۳۱] او در ادامه خاطرات خود متذکر می‌شود که به هنگام شیوع بیماری وبا در تهران به سال ۱۳۱۰ ه. تعداد مجالس روضه خوانی فزونی یافت. وی در روز ۲۲ محرم ۱۳۱۰ ه چنین نگارش کرده: «دو سه مرتبه خلق طهران با علما و سادات به حضرت عبدالعظیم و امام زاده حسن و امام زاده اهل علی، مصلی رفته‌اند. هر مرتبه متجاوز از بیست هزار نفر بودند. صدقه، روضه خوانی و بذل و بخشش به شدت زیاد شده. [۳۲] هم چنین در روز شنبه ۲۹ محرم ۱۳۱۰ ه. نوشته است: «روضه خوانی و خیرات به حدی در طهران و شمیرانات زیاد شده که چه نویسم... دسته جات سینه زن متصل در گردش است. تمام مردم زاهد و عابد شده‌اند.» [۳۳]. چنان که ذکر شد، در آن دوره مجالس روضه به گستردگی برپا می‌شد. برای اداره این مجالس تربیت نیروهای کارآمد ضروری بود و دانشوری پرآوازه به نام ملا آقا دربندی که خود علاقه زیادی به برگزاری مراسم سوگواری سالار شهیدان داشت، آستین همت بالا-زد و با نگارش کتاب «اسرار الشهاده» به رفع این نیاز پرداخت. ملا آقا دربندی در علوم معقول و منقول ماهر بود. در اصول فقه، کتاب «خزائن الاصول» را نوشت و دو مجلد آن که به سال

۱۲۶۷ه در تهران چاپ شد، اصول فقه، اصول عقاید، درایه، رجال و نظایر این‌ها را مورد بحث قرار داد. [۳۴] چکیده‌ای از آن نیز با عنوان «عناوین المسائل چاپ شد. [۳۵] در فقه، کتاب «خزائن الاحکام را به عنوان شرح منظومه فقهی دانشمند برجسته و صاحب «کرامات شیعی، سید مهدی طباطبایی معروف به بحرالعلوم نوشت که در یک جلد چاپ شد. [۳۶] رساله عملیه او نیز به فارسی نوشته شده بود و مباحث تقلید، طهارت و صلوة را دربر می‌گرفت. [۳۷] او در علم رجال، کتاب «قوامیس القواعد» را نوشت. [۳۸] وی هم چنین از نجوم، خبر داشت و کتابی مبسوط و محققانه در فن اسطرلاب نوشت که در سال ۱۲۸۰ه در لکنهو به چاپ رسید. [۳۹] با این همه، عمده شهرت او به سبب اهتمام ویژه در برقراری مراسم عزاداری امام حسین علیه‌السلام و تالیف کتاب «اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات است که به «اسرار الشهاده آوازه یافته است. وی این کتاب را در چهل و چهار مجلس تدوین نمود، برای آن دوازده مقدمه قرار داد و خاتمه‌ای بر آن نوشت. در هر یک از این بخش‌ها، مجالس متعدد جای گرفت و نوشتن آن همه، هجده ماه زمان برد و سرانجام صبح روز جمعه ۱۵ ذی‌القعده سال ۱۲۷۲ه به پایان رسید. این کتاب چندین بار به چاپ رسیده و خود ملا آقا از صفحه ۱۸۰ کتاب به بعد را به فارسی ترجمه کرده که با عنوان «سعادات ناصری به چاپ رسیده است. [۴۰] هم چنین میرزا محمد حسین فرزند علی‌اکبر این کتاب را به فارسی برگرداند و با عنوان «انوارالسعاده فی ترجمه اسرارالشهاده در تبریز به چاپ رساند. [۴۱] به سبب عربی بودن و تفصیل اسرار الشهاده، ملا آقا بر آن شد تا مقتلی مختصر به فارسی بنویسد و این کار را انجام داده، «جوهرالایقان را نوشت که چاپ شده است. [۴۲]. اگرچه اسرار الشهاده به سبب اشتمال بر روایات و قصه‌های نادرست، سخت مورد انتقاد واقع شد و محدث نامی حاج میرزا حسین نوری، کتاب «لؤلؤ و مرجان» را بر ضد آن نوشت، [۴۳] اما چاپ‌های مکرر این کتاب گواه استقبال مردم از آن است. ملا آقا در بندی، روحیه‌ای سریع‌التاثر و عاطفی و جانی سرشار از عشق به اهل بیت علیهم‌السلام داشت و افزون بر نگارش دو کتاب مقتل، خود در اقامه مراسم سوگواری امام شهیدان پیش گام بود و به ویژه در روز عاشورا، رفتاری عجیب از وی ظاهر می‌شد. سخن اعتمادالسلطنه در این مورد این است که در آن روز از او «عادات دیوساران، در جوامع مواج از تعزیه داران به صدور می‌رسید، بی‌اختیار عمامه بر زمین می‌کوفت و گریبان چاک می‌زد و بر سر خاک می‌ریخت. [۴۴] محمد بن سلیمان تنکابنی نیز می‌نویسد که وی «در اقامه مصیبت حضرت سیدالشهدا مواظب و متصلب و راسخ بود به نحوی که در بالای منبر از شدت گریه غش می‌کرد و در روز عاشورا لباس خود را از بدن می‌کند و لنگ می‌بست و خاک بر سر می‌ریخت و گل به بدن می‌مالید». [۴۵] اهتمام این دانشور برجسته به برگزاری مراسم سوگواری حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام، از دیده مردم دور نمی‌ماند، بر آنان تاثیر می‌گذاشت و آنان از وی الگو می‌گرفتند. ملا آقا در بندی خود نیز به منبر می‌رفت و در القای مطالب، شیوه‌ای خاص و تاثیرگذار داشت و می‌توان وی را آموزگار اهل منبر در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه دانست. گذشته از دو ماه محرم و صفر، چنان که گزارش‌های نظمیه گواهی می‌دهند، مجالس روضه خوانی در دیگر ماه‌های سال نیز برگزار می‌شد و شنیده شده است که رسم روضه‌های هفتگی و ماهانه را ملا آقا در بندی بنیاد نهاد. برگزاری موفق آن مراسم که گاه خارج از زمان مربوط به مناسبت‌های مذهبی صورت می‌گرفت، نیاز به تأمین مواد و آموزه‌هایی داشت که شخص منبری را به القای مطالب مختلف توانا سازد. در این زمینه، آثار ملا اسماعیل واعظ سبزواری کارگشا افتاد. تسلط ملا اسماعیل بر معارف سنتی و تبحر او در تنظیم و تبویب مطالب، به او این امکان را داد که از نظر محتوای منبر، راهنمای واعظان گردد. او خود القای وعظ و خطابه را کاری دشوار می‌دانست و در مجلس سی و هفتم از مجالس یک صد و شصت گانه کتاب «عددالسنه به تشریح شرایط وعظ و واعظ پرداخته و مهیا کردن اسباب معاش، فراغت از هر مشغله، برخورداری از کتابخانه‌ای کامل، تحصیل زبان عربی، حافظه نیکو، ذوق سلیم، آگاهی از کلیات هر علم و اصطلاحات اهل فن، نیکو زبانی، تقوا و پرهیزکاری و قوت قلب را از جمله شرایط واعظ بر شمرده است و این همه را با شواهد تاریخی، آیات قرآنی و حکایات و قصص آراسته و مطالب را به خوبی پروراند است و در خاتمه، به مناسبت موضوع مورد بحث خویش، برای ذکر مصیبت، از اقدام امام حسین علیه‌السلام به هنگام خردسالی یاد

می‌کند که مواعظ پیامبر گرامی اسلام را برای زهرای مرضیه سلام الله علیها نقل فرمود و خبر به پیامبر رسید و برای شنیدن آن به منزل دختر خویش آمد و در نهانگاه آماده شنیدن بازگویی مواعظ خویش از سوی حسین گردید اما کودک از بازگویی خودداری نمود و به مادر گفت ظاهرا مردی بزرگ به من می‌نگرد که نمی‌توانم درست سخن بگویم، پیامبر از نهانگاه خود بیرون آمد و حسین را در آغوش گرفت و «سه مرتبه لب‌هایش را بوسید و فرمود جدت قربان شیرین زبانت شود. نمی‌دانم پیغمبر کجا بود بیند روز عاشورا همین حسین به همین فصاحت، کوفیان را موعظه می‌کند، گوش به حرفش نمی‌دهند... پیغمبر کجا بود بیند آن لب‌ها را که می‌بوسید، ملعون شراب خوار به چوب آزرده‌اش نمود: لما وضع الراس بین یدیه اخذ قضیبا فضرب بها ثنایا الحسین حتی کسرت. الا لعنة الله على القوم الظالمین.» [۴۶]. ملا اسماعیل واعظ، نزدیک به ۹۵ سال زیست و سالیانی دراز منبر رفت و چکیده دانسته‌های خویش را در کتاب‌های خود نوشته، به یادگار گذاشت. در دوران پادشاهی ناصرالدین شاه؛ علاوه بر ملا آقا دربندی و ملا اسماعیل واعظ، چندین تن دیگر در عرصه وعظ خوش درخشیدند و برخی از آنان همچون سید ابوطالب صدرالذاکرین از محبوبیت بسیار برخوردار شدند. [۴۷] اعتمادالسلطنه درباره او می‌نویسد: «اصلا خراسانی است و فعلا طهرانی، از ذلاقت [گشاده زبانی] لسان او شگفتی می‌باید گرفت. قدرتی عظیم در ترفیق قلوب و اجراء دموع دارد. شعر هم می‌گوید و از علم عدد و ختوم و ادعیه نیز استحضار یافته است. [۴۸] مخبرالسلطنه از ویژگی صدای صدرالذاکرین سخن گفته، می‌افزاید: او تنها کسی بود که می‌توانست هیاهوی پنج شش هزار زن را در تکیه دولت فرونشاند. [۴۹] سید ابوطالب صدرالذاکرین از اخلاق خوش و مردم‌داری هم بهره‌مند بود. نظمیه در ضمن وقایع روز دوشنبه ۵ محرم ۱۳۰۴هـ گزارش داده که وی «در خیابان چراغ‌گاز برای رسیدن به مجلس روضه خوانی سواره می‌تاخته، پسرهای شاگرد نعل بند عبور می‌کرده است. مشارالیه به او پهلوزده انداخته بود. صدرالذاکرین ملتفت گردیده ایستاده یک مشت نقل به چند دانه شاهی سفید به او داده و نوازش و از خود راضی‌ش کرده، می‌رود.» [۵۰]. علاوه بر این چهار تن، می‌بایست از میرزا محمدرضا واعظ همدانی یاد کرد که به گفته اعتمادالسلطنه، در فقه و اصول و تفسیر و حکمت و کلام و عرفان ید طولایی داشت و مردم به مجلس موعظت و تذکیر وی، میلی عجیب داشتند. محمد قزوینی نیز واعظ همدانی را به بسیاری فضل و اطلاع و فصاحت و بلاغت در کلام و بیان شیوا ستوده، از اشتیاق فراوان خود برای حضور در پای منبر وعظ او سخن گفته و می‌افزاید: «وی در سنین اواخر عمر خود، بسیار مکرر در مجالس وعظ تصریح می‌کرد که ظهور حضرت صاحب‌الامر به غایت نزدیک است و می‌گفت که رجاء واثق است که حتی بسیاری از کسانی که در همین مجلس حضور دارند، در رک فیض ظهور آن حضرت را خواهند نمود» و بر این مطلب «فوق‌العاده اسرار و تقید و تعهد داشت. قزوینی می‌نویسد که هرگز نفهمیده که سبب اصرار میرزا محمد رضا واعظ همدانی در بیان این مطلب چه بوده و چرا با وجود منع ائمه علیهم‌السلام از تعیین زمان ظهور، وی بر این کار مبادرت می‌ورزید. واعظ همدانی سرانجام روز پنج‌شنبه چهارم ربیع‌الاول سال ۱۳۱۸هـ در گذشت [۵۱] و شنوندگان وعظ او نیز در گذشته‌اند و اگر چه سخن او در مورد ظهور حضرت صاحب‌الامر علیه‌السلام تحقق نیافت اما احتمالا تاکید او بر ابراز این مطلب، به پذیرش عمومی تحولات جامعه ایران در دوران مشروطه خواهی یاری رسانده است. برشماری نام و نشان همه واعظان تهران در دوره ناصری ممکن نیست و بجاست که تنها به یک نکته دیگر اشاره کنیم و آن این که، کسب شهرت در تهران گاه موجب اشتها یک تن از وعاظ در سراسر کشور می‌شد و متقابلا گهگاه نیز از دیگر نقاط کشور واعظانی به تهران می‌آمده‌اند. اعتمادالسلطنه در مورد حاج میرزا احمد اصفهانی می‌نویسد: «در شغل مرثیه سرایی و کار روضه خوانی به مقامی سامی رسید و صیت صوتش از طهران به همه جای ایران کشید.» [۵۲] و همو اینگونه از ملا محمد باقر فشارکی یاد کرده که: «در جرگه علمای اصفهان، مشهور است و به طهران نیز مکرر آمده، مسجد و منبرش رونقی لایق دارد و رواجی فائق.» [۵۳] هم چنین از حاج مولی‌علی واعظ قزوینی و تسلط زیاد او در کار منبر یاد کرده که: «در خراسان و آذربایجان و مملکت ری و عراق عرب که در آنها موعظه کرده و روضه خوانده است قبول عام دارد و شهرت تام. [۵۴]. علاوه بر مجالس روضه خوانی، در دوران پادشاهی

ناصرالدین شاه، مراسم تعزیه نیز به گستردگی برپا می‌شد و مورد استقبال مردم قرار می‌گرفت. پرداختن به موضوع تعزیه در آن دوران، مجال دیگر می‌طلبید، اما برگزاری آن مجالس و این مراسم، فرصت مغتنمی برای آموزش عمومی معارف دینی به مردم در اختیار دانشوران دینی قرار داد، آن هم در جامعه‌ای که سطح سواد عمومی در آن نازل بود و آموزش در خور توجهی نداشت. بررسی نحوه بهره‌گیری آن دانشوران از این فرصت، نیازمند پژوهش گسترده در متون بازمانده از آن روزگار و عزم و همت پژوهشگران پرتلاش روزگار ماست.

پاورقی

- [۱] چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، جلد اول/ المآثر و الآثار، تالیف محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار، صص ۱۳۳-۱۳۴.
- [۲] گزارش‌های نظامیه از محلات طهران: راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافة (۱۳۰۳-۱۳۰۵ه)، (تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۷)، ج ۱، ص ۳.
- [۳] همان، ص ۳۹.
- [۴] همان، ص ۴۰.
- [۵] همان، صص ۴۳-۴۶.
- [۶] همان، ص ۴۳.
- [۷] همان، صص ۱۹۷-۲۳۵.
- [۸] همان، صص ۱۹۷-۱۹۸.
- [۹] همان، ص ۱۹۸.
- [۱۰] همان.
- [۱۱] همان.
- [۱۲] همان، ص ۱۹۹.
- [۱۳] همان، ص ۱۹۹.
- [۱۴] همان، ص ۱۹۹.
- [۱۵] همان، ص ۲۰۰.
- [۱۶] همان، ص ۲۰۴.
- [۱۷] همان، ص ۱۹۹.
- [۱۸] همان، ص ۲۰۱.
- [۱۹] همان، ص ۱۹۹.
- [۲۰] همان، ص ۲۰۲.
- [۲۱] همان، ص ۲۱۳.
- [۲۲] همان.
- [۲۳] همان، ص ۲۲۶.
- [۲۴] همان، ص ۲۱۳.

- [۲۵] همان، ص ۲۱۱.
- [۲۶] همان، ص ۲۱۶.
- [۲۷] همان، ص ۲۲۷.
- [۲۸] همان، ص ۲۰۲.
- [۲۹] همان، ص ۲۱۱.
- [۳۰] همان، ص ۲۲۷.
- [۳۱] روزنامه خاطرات عین السلطنه (قهرمان میرزا سالور)، جلد اول: روزگار پادشاهی ناصرالدین شاه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ص ۴۰۰.
- [۳۲] همان، ص ۴۸۲.
- [۳۳] همان، ص ۴۸۴.
- [۳۴] ر.ک: شیخ آقا بزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۷، ص ۱۵۲.
- [۳۵] همان، ج ۱۵، ص ۳۵۱.
- [۳۶] همان، ج ۷، ص ۱۵۲.
- [۳۷] همان، ج ۱۱، ص ۲۱۳.
- [۳۸] همان، ج ۱۰، ص ۹۷.
- [۳۹] همان، ج ۵، ص ۲۹۱.
- [۴۰] همان، ج ۲، ص ۲۷۹.
- [۴۱] همان، ص ۴۲۹.
- [۴۲] همان، ج ۵، ص ۲۶۴.
- [۴۳] ر.ک: محدث نوری، لولوء و مرجان در آداب اهل منبر، صص ۱۶۷-۱۶۹.
- [۴۴] ر.ک: چهل سال تاریخ ایران، ص ۱۸۹.
- [۴۵] ر.ک: محمد بن سلیمان تنکابنی، قصص العلماء، ص ۱۰۹.
- [۴۶] ر.ک: ملا اسماعیل واعظ سبزواری، عددالسنه، صص ۱۸۸-۱۹۴.
- [۴۷] ر.ک: مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳، ۱۴، ج ۶، صص ۱۷-۱۸.
- [۴۸] چهل سال تاریخ ایران، ص ۲۸۲.
- [۴۹] ر.ک: مهدیقلی هدایت، خاطرات و خطرات (تهران: زوار، ۱۳۶۳)، ص ۸۸.
- [۵۰] گزارش‌های نظمیه از محلات طهران، ص ۱۶۴.
- [۵۱] محمد قزوینی، «وفیات معاصرین، یادگار، سال سوم، شماره دهم (خرداد ۱۳۲۶)، صص ۱۶-۱۷.
- [۵۲] چهل سال پادشاهی...، ص ۲۸۹ و جلد دوم همان، کتاب، تعلیقات مرحوم حسین محبوبی اردکانی بر المآثر و الآثار، صص ۷۹۶-۷۹۵.
- [۵۳] همان، ص ۲۴۹.
- [۵۴] همان، ص ۲۶۹.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

